

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال ششم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

نگاهی به مثنوی «سلم‌الجنان» اکبرعلی‌خان متخلص به جاوید^۱

نگار حیدری^۲

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

دکتر احمدرضا یلمه‌ها^۳

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (نویسنده مسؤول)

دکتر مریم محمودی^۴

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

چکیده

یکی از نسخه‌های گمنام، معراج‌نامه‌ای ناشناخته به نام «سلم‌الجنان» سروده اکبرعلی‌خان متخلص به جاوید است. این پژوهش بر آن است تا ضمن معرفی این اثر، به بیان ویژگی‌ها و شاخصه‌های زبانی، ادبی، موسیقایی و فکری آن بپردازد. از نظر ویژگی‌های زبانی، واژه‌ها و عبارت‌های عربی در متن غلبه دارد که برخی از آن‌ها منسوخ و متروک و نامأنوس است. سراینده در برخی ابیات به ترکیب‌سازی‌های جدید دست زده است. بهره‌گیری از عامیانه‌گویی و مخفف‌نویسی از دیگر شگردهای شاعر در حیطه زبانی است. جاوید در

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۸

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۲/۳۰

^۲ negar.heidari83i@yahoo.com

^۳ ayalameha@dehaghan.ac.ir

^۴ m.mahmoodi75@yahoo.com

قلمرو ویژگی‌های ادبی به صورت معتدل مباحث بلاغی و آرایه‌های ادبی را در متن نشانده است. در زمینه موسیقی شعر، شاعر از وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلن» (بحر سریع) و قالب مثنوی بهره برده است. در قلمرو محتوا نیز بر آن بوده است تا معراج حضرت رسول (ص) را براساس اعتقادات و روایات مسلمانان به گونه‌ای پرشور و معنوی از طریق پیوند مناسب میان تصاویر، عواطف، احساسات، خیال‌پردازی و وزن ترسیم کند.

واژه‌های کلیدی

سلم‌الجنان، اکبرعلی‌خان جاوید، معراج‌نامه، نسخه خطی

۱- مقدمه

هر دست‌نوشته و نسخه خطی برجای‌مانده از گذشته، بسته به ساحت فکری، دانش‌زبانی، ویژگی‌های جغرافیایی محل زیست سخنور و... از نظر سبکی دارای ویژگی‌هایی است که بررسی آن در تحلیل اثر ادبی و تأثیرپذیری از گذشتگان و تأثیرگذاری بر آیندگان اهمیت دارد. «معراج» رویدادی است که در آثار نظم و نثر فارسی به‌ویژه متون تعلیمی و عرفانی به صورت پراکنده بازتاب یافته است. برخی گویندگان زبان فارسی در آغاز کتابشان پس از نعت پیامبر، گریزی به واقعه معراج زده‌اند و ابیاتی را متناسب با محتوای کتابشان نقل کرده‌اند؛ برای مثال سعدی در مقدمه بوستان، بدین واقعه پرداخته است. برخی دیگر از شاعران بنابر اقتضای کلام به معراج پرداخته‌اند؛ چنان‌که نظامی پیش از ختم منظومه خسرو و شیرین ابیاتی متناسب با واقعه معراج سروده است؛ در مخزن‌الأسرار نیز ابیاتی را به موضوع معراج اختصاص داده است. از سوی دیگر، اندیشمندانی مانند ابوعلی سینا با نگاهی فلسفی و البته متمرکزتر و مفصل‌تر از دیگران، واقعه معراج را شرح و بسط داده است؛ با این حال آثار مستقل درباره معراج کمتر تصحیح شده یا به دست ما رسیده است. اینکه

گویندگان زبان فارسی از آغاز تا به امروز به معراج نظر داشته‌اند، بیانگر اهمیت این واقعه است. تألیف این پژوهش نیز از آن جهت ضرورت دارد که به تصحیح و تحلیل منظومه‌ای مستقل درباره معراج می‌پردازد. باتوجه به اینکه تاکنون هیچ تصحیحی از این اثر صورت نگرفته و نیز مقاله یا کتابی درباره آن تألیف نشده است، می‌توان انجام این تحقیق را در نوع خود ضروری دانست. نسخه منظور، نسخه‌ای منحصر به فرد و ناشناخته است و به همین سبب با تصحیح این متن، یکی دیگر از نسخ خطی ارزشمند و ناشناخته بازآفرینی می‌شود و در دسترس ادیبان، نسخه‌پژوهان و علاقه‌مندان زبان و ادبیات فارسی قرار می‌گیرد.

۱-۱ پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

این نسخه خطی با اینکه نسخه‌ای منحصر به فرد بوده، اما تاکنون در ایران درباره آن پژوهشی صورت نگرفته و از نظرها دور و مهجور مانده است.

ب) تحقیقات خارجی

باتوجه به تحقیقات صورت گرفته و جست‌وجو در پایگاه‌های علمی کتابخانه‌های داخلی و خارجی، به نظر می‌رسد تاکنون هیچ تحقیقی در خارج از کشور نیز درباره این نسخه خطی انجام نشده است.

با این حال به صورت کلی آثاری تحقیقی درباره معراجیه‌ها در ادب فارسی نوشته شده که مهم‌ترین آن‌ها به صورت خلاصه و به ترتیب تاریخی از این قرار است:

۱. دوفوشه کور، شارل هانری، ۱۳۶۵، «ابن سینا، قشیری و قصه معراج پیغمبر^(ص)»، نشریه معارف، ش ۴۲.

۲. دوفوشه کور، شارل هانری، ۱۳۷۰، «روایات معراج در آثار نظامی»، ترجمه احمد سمیعی گیلانی، نشریه نشر دانش، ش ۶۳.

۳. شایسته‌فر، مهناز، ۱۳۸۰، «معراج‌نامه»، نشریه مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۰.

۴. شمالی، علیرضا، ۱۳۸۶، «بررسی معراج پیامبر اسلام^(ص) در شعر فارسی (در دوره

- مغول و تیموریان»، نشریه زبان و ادبیات فارسی، س ۳، ش ۸.
۵. فاتحی، پروین، ۱۳۸۸، معراج پیامبر اکرم (ص) و معراج‌نامه‌های منظوم در ادب فارسی، تهران: علمی و فرهنگی.
۶. تهرانی، رضا، ۱۳۸۹، «بررسی تطبیقی عناصر ساختاری در معراج‌نامه احمد موسی و معراج‌نامه میرحیدر»، نشریه نگره، ش ۱۴.
۷. نوریان، سید مهدی و مهدی حاجی‌زاده، ۱۳۹۰، «جلوه معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خمسه نظامی گنجوی»، نشریه پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ش ۹.
- درباره بحث تصحیح هم می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد:
۱. ثروت، منصور، ۱۳۹۷، روش تصحیح انتقادی متن، تهران: علمی.
 ۲. جهانبخش، جويا، ۱۳۷۸، راهنمای تصحیح متون، تهران: میراث مکتوب.
 ۳. مایل هروی، نجیب، ۱۳۹۴، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: سوره مهر.
 ۴. مایل هروی، نجیب، ۱۳۶۹، نقد و تصحیح متون، مشهد: آستان قدس رضوی.

۲- معرفی نسخه

تنها یک دست‌نوشته از این اثر تاکنون شناخته شده است و اطلاعات چندانی درباره مؤلف و زندگی‌نامه او یافت نشد؛ در نتیجه ناگزیر نگارندگان ابتدا به مطالعه دقیق متن (با استفاده از ابزاری مانند ذره‌بین و درشت‌نمایی صفحات نسخ خطی از طریق رایانه) پرداختند و از برخی کلمات ناخوانا و ایرادهای وزنی، رفع اشکال کردند و در نهایت حروف‌نگاری مطالب و بازخوانی و بازبینی متن به انجام رسید. تنها نسخه باقی‌مانده از این اثر، دست‌نوشته‌ای است که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره ۱۳۹۳۳ و شماره مدرک IR30420 نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت این دست‌نوشته ۱۲۰۳ هجری قمری است

که خود مؤلف به خط شکسته نستعلیق در ۱۰۸ برگ کتابت کرده است.

۳- برخی ویژگی‌های مربوط به کتابت نسخه

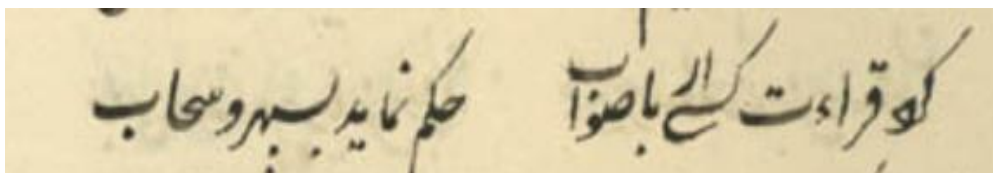
نسخه به لحاظ رسم الخط ویژگی‌هایی دارد که مهم‌ترین آن‌ها بدین شرح است:

- «آ» در اغلب موارد بدون سرکش و به صورت «ا» آمده است (مثل ابدار/ ابدار).
- «ا» در کلماتی مانند «یاسین» به شکل قرآنی آن یعنی «یسین» آمده است.
- «ب» در آغاز افعالی چون «ببند» و «ببست» به صورت منفصل یعنی به شکل «به‌بند» آمده است.

۱-۳ رسم الخط همزه

کرد قرائت کسی ار با صواب حکم نماید به سپهر و سحاب

(۲۵۲)

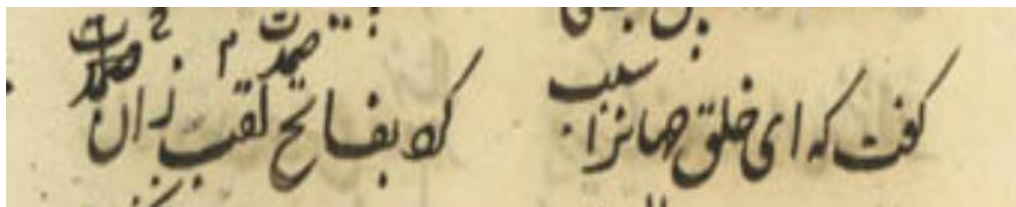


شکل شماره ۱

۲-۳ جابه‌جایی‌ها

گفت که ای خلق جهان را سبب کرد به فاتح صمدت زان لقب

(۲۲۴۷)

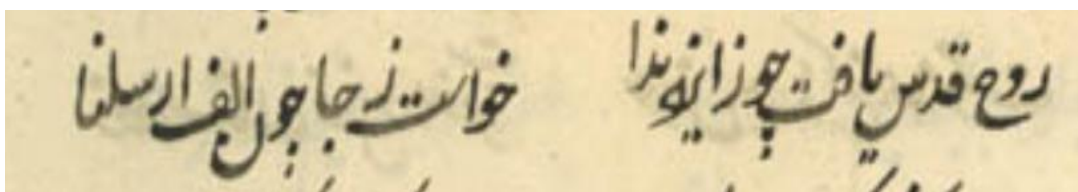


شکل شماره ۲

۳-۳ غلط‌های املائی

خواست / خاست

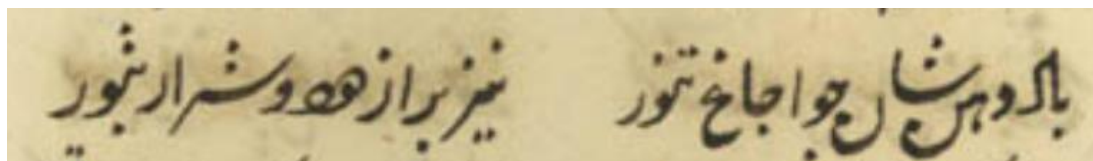
روح قدس یافت چو ز ایزد ندا خاست ز جا چون الف ارسلنا
(۳۷۶)



شکل شماره ۳

اجاغ / اجاق

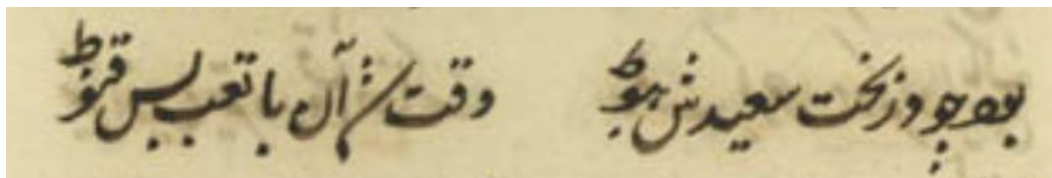
باد دهنشان چو اجاق تنور نیز پر از دود و شرار ثبور
(۲۷۳۹)



شکل شماره ۴

قنوط / قنوت

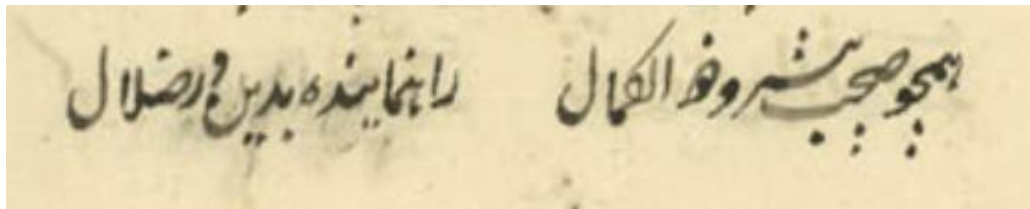
بود چو در بخت سعیدش هبوط وقت شد آن با تعب بس قنوط
(۲۹۲۵)



شکل شماره ۵

صحب / صهب

همچو صهب پیشرو و ذوالکمال راه‌نماینده به دین در ضلال
(۶۸)



شکل شماره ۶

۴- شاخصه‌های سبکی «سلم‌الجنان» اکبرعلی‌خان جاوید

۴-۱ ویژگی‌های زبانی

در مثنوی «سلم‌الجنان»، برخی حروف در معنایی خاص به کار رفته است؛ مثلاً حرف اضافه «به» در معنی «از» به کار رفته است. همچنین واژه‌های عربی، به‌ویژه عربی‌های نامأنوس، بسیار به کار رفته است. به نظر می‌رسد یکی از علت‌های این امر، مضمون و محتوای منظومه یعنی معراج پیامبر^(ص) است که باعث شده است شاعر براساس محتوای دینی مذهبی به کاربرد واژه‌های عربی بیشتر گرایش داشته باشد. گاهی هم به‌ندرت واژه‌های ترکی و رومی به کار برده است. شاعر گاهی واژه‌های عامیانه‌ای مانند «مدنظر» و واژه‌های سخیفی مثل «مفت» را نیز در شعر خود گنجانده است که احتمالاً با این هنجارگریزی، هم‌میزان تسلط خود به زبان فارسی را نشان داده و هم آن را به زبان کوچه‌وبازار و روزمرگی نزدیک کرده است. همچنین ترکیب‌هایی مانند «خرامندگی»، «فرازندگی» و «گوش‌کن» و «ابر روا کن» را به کار می‌گیرد که کمتر در زبان فارسی سابقه داشته و احتمالاً برساخته خود شاعر بوده است. این ترکیب‌سازی‌ها به‌صورت صفت نیز ظاهر می‌شود. شاعر علاقه‌ای هم به جمع‌بستن کلمات به‌شیوه عربی داشته و جمع‌هایی مانند «قنادیل»، «عناکب»، «خطوات» و

«دکاکین» را استفاده کرده است. کلماتی مثل «پناه» و «جایگزین» به صورت مخفف یعنی به صورت «پنه» و «جاگزین» آمده است. در نهایت اینکه تنافر در حروف و کلمات در برخی ابیات دیده می‌شود. در ادامه به نمونه‌هایی از موارد ذکر شده اشاره می‌شود.

۴-۱-۱ حرف‌ها

الف) حرف «به» در معنی «از»

داد به سدره صمدش جا دگر قدر نمودش به ملک بیشتر
(۱۳۱۲)

ب) حرف «ب» زینت

بود مر آن دشت مَقَرش همین دشت ز جسمش بشدی پر یقین
(۱۳۱۱)

ج) حرف مر

بود مر این شخص مبارک‌سرشت بیش از این قرب جوار بهشت
(۱۳۰۸)

بود مر آن قبه فراز عمود بود عمود از گهر نابسود
(۱۳۳۲)

۴-۲ واژه‌ها

۴-۲-۱ عبارتهای عربی

بما نحن فی

باز بما نحن فی هست به ما شیر غضنفر وفی
(۱۰۹۰)

ذوالعلا

کرد حوالت صمد ذوالعلا نیز همه کار مصومان ورا
(۱۳۰۶)

ذوالمتمین

راست بگفتی ملک بالیقین
نیست به جز من صمدی ذوالمتمین
(۱۳۶۵)

سریع‌الزوال

پاک بهل حسّ و حواس و خیال
چند دوی گرد سریع‌الزوال
(۱۴۴۴)

خیرالورا

صور دمد تا ملک خوش‌لقا
نذر نمودند به خیرالورا
(۱۲۳۵)

۲-۲-۴ واژه‌های ناآشنای عربی

اشر

بود ندا هر دو ز دیو اشر
راه نما طرف دیار سقر
(۶۳۱)

تخلل

کار نکردی چو به وقتش درست
خار به راهش ز تخلل برست
(۲۷۹۹)

تلیبه

بسته به لب تلیبه احترام
رفت چو در بیت حریم‌الحرام
(۶۸۷)

عتق

هست در این بهر مصومان برات
عتق ز آتش ز عذابش نجات
(۱۳۲۷)

غصن

بود همه ساق نهالان ز زر بود غصن از گهر و لعل‌تر
(۲۱۳۰)

قعه

قعه بشد فرض بر امت چنان دید از آن روح و نزهت روان
(۹۴۷)

کبش

یافت پی فدیهِ کبش از عطا گوی چه دادی به اذایش مرا
(۱۹۲۴)

مزیل

آب بود زنگ گنه را مزیل نیک بشوید همه گردد جمیل
(۶۶۲)

معرا

زآنکه بُد آن قول حقیقت‌طراز راست معرا ز همه رنگ و ساز
(۲۷۲۸)

مناص

هفت مراتب کند آن ذکر خاص هست مر این قصر مر او را مناص
(۲۲۵۹)

نتن

دود سیه صحن فلک درگرفت نتن بدش راه نفس درگرفت
(۱۰۷۵)

۳-۲-۴ واژه‌های ترکی

یزک

دید پیمبر که بر آن ملک
داشت دو سو فوج ملک چون یزک
(۹۶۴)

یساق

زود برو طرف جنان با یساق
ساز محلل به جواهر براق
(۳۶۳)

۴-۲-۴ واژه‌های عامیانه

مدنظر

شاه نشد ملتفت آن محیل
بود همه مدنظر بر سیل
(۶۱۸)

مفت چیزی شدن

گنج هنر مفت تو امروز شد
شام تو را بخش ز نوروز شد
(۳۱۶)

یا:

جلوه بکن در حرم عرش پاک
مفت تو شد ملک فلک تا سماک
(۵۲۱)

۳-۴ ترکیب‌ها

برفزار

گشت دگر تیره‌جبل برفزار
نور شد از دیده درون پرغبار
(۸۳)

شوقناک

خورد به گوشش دگر آهنگ پاک

چند شتابی نبی شوقناک

(۱۴۵۹)

بشاشت کنان

کرد سلامی و بشاشت کنان

دست گرفتش چو گل بوستان

(۱۴۸۵)

تجلی کده

بزم شد از نور تجلی کده

جمله ملک حلقه به گردش زده

(۷۱۰)

گوش نه

گفت که من حلقه به گوش توام

گوش نه لطف خروش توام

(۲۲۹۴)

۴-۴ جمع‌ها

خطوات (جمع خطوه)

ساق ز بن تا نمو فرع و شاخ

راهروان را خطوات فراخ

(۱۲۲۲)

دکاکین (جمع دکان)

گشت نماید به دکاکین چنان

تا که ز مظلوب بیابد نشان

(۲۶۱۲)

عناکب (جمع عنکبوت)

جزر پذیرد اگرش همچنان

تار عناکب شودش آشیان

(۱۰۵۷)

غیاهب (جمع غیهب)

بزم ملک را چو جنان بر فروز تا که غیاهب شودش رشک روز
(۳۵۵)

۵-۴ مخففها

پناه / پنه

هست چو خسرو پَنَه عاصیان روی نماید نه سوی مازیان
(۶۳۸)

جایگزین / جاگزین

هست به صدرم کتب مرسلین جزو و کل کن به دلم جاگزین
(۳۰۴۸)

۶-۴ تنافرها

نیز یکی جوی دگر زان روانست فیض پذیرنده ز آبش جانست
(۱۲۸۱)

گفت قرینم شرف مرسلانست ختم رسولان سبب کن فکانست
(۲۰۸۱)

۵- ویژگی های ادبی

زبان شعر اکبرعلی خان جاوید از نظر کاربرد آرایه‌ها به نسبت ساده و به دور از پیچیدگی های ادبی است. در قلمرو صنایع بیانی، استعاره و مجاز و کنایه نسبتاً کم به کار رفته و بیشتر از تشبیه استفاده شده است. شاعر به صنایع بدیعی بیشتر نظر داشته و برای بیان احساس های متعالی و معنوی - به ویژه چون مضمون مثنوی مرتبط با معراج پیامبر (ص) است - از آرایه هایی مانند اغراق و پارادوکس، تلمیح و تضمین استفاده می کند؛ بنابراین خیال انگیزی به صورت طبیعی و متناسب با مضمون منظومه به کار گرفته شده است. در ادامه به صورت نمونه وار به تعدادی از این آرایه ها اشاره می شود.

۱-۵ تشبیه

کرد ز یاسین قبا خوش به بر بسته ز لولاک چو جوزا کمر
(۱۶۹)

هست بسی حال تباهم زبون گشته دلم نقطه، خطش نفس دون
(۱۷۱)

۲-۵ اغراق

گشت گشاده چو درش زودتر بود به ظلمت ز دُجا قیرتر
(۲۳۵۰)

بود قدش راه سنین صد هزار داشت همین بال و پری بی‌شمار
(۱۲۹۲)

۳-۵ تلمیح

شاعر به تناسب مضمون منظومه خود که در ارتباط با معراج حضرت رسول است، به اقتضای حال و مقام از اشارات دینی و مذهبی استفاده می‌کند. سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم^(ع) که برگرفته از آیه ۶۹ سوره انبیاست (قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلٰی اِبْرٰهٖمِ) از جمله این اشارات است:

گفت خدایا صمدا ذوالجمیل سرد بشد نار بلا بر خلیل
(۱۹۱۶)

۴-۵ پارادوکس

باز از آنجا چو گذشت آن جناب دید یکی بحر پر آتش به تاب
(۱۰۱۵)

بود در آن دشت خروشان ز نار بحر ز آتش همه سبعین هزار
(۲۳۵۹)

۵-۵ جناس لفظ

بود در آن جوی دل‌آرا طیور حور شمایل به رخ همچو هور
(۲۱۷۶)

قطب زمین روح مسیرش مسیر رفت به گردون همه جا شد مصیر
(۲۸۵۱)

۶- ویژگی‌های موسیقایی

ردیف، قافیه و وزن، در یک ساختار هماهنگ و بهنجار، موسیقی کلام را ایجاد می‌کنند. به تعبیری دیگر «مجموعه عواملی که زبان شعر را از زبان روزمره به اعتبار آهنگ و توازن امتیاز می‌بخشد، می‌توان گروه موسیقایی نامید و این گروه موسیقایی خود عوامل شناخته‌شده و قابل تحلیلی دارد؛ از قبیل وزن، قافیه، ردیف، جناس و...» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۸).

مثنوی «سلم‌الجنان» اکبرعلی‌خان جاوید در قالب مثنوی و بر وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلن» (بحر سریع مطوی مکشوف) است. در این بحر عروضی، مثنوی‌های مشهوری مانند مخزن‌الأسرار نظامی سروده شده است. شاعر این وزن را متناسب با مضمون منظومه خود که معراج‌نامه است برگزیده است و مطابق سنت شعری، همه مصراع‌های مثنوی با یکدیگر مقفا هستند؛ باین حال از نظر وزنی و کاربرد قافیه‌ها یا تلفظ کلمات اشکالاتی در نسخه دیده می‌شود که مشخص نیست این اشکالات متوجه کاتب نسخه است یا خود شاعر؛ همچنین شاعر در برخی از ابیات از اختیارات زبانی و وزنی بهره برده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۶-۱ آشفستگی‌های وزنی

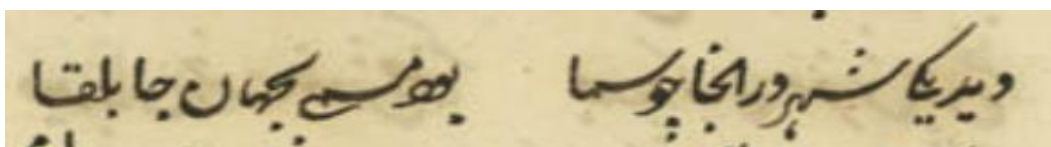
به نظر می‌رسد برخی از آشفستگی‌های وزنی در نسخه، ناشی از بی‌دقتی شاعر در انتخاب کلمات متناسب با وزن شعر بوده است؛ برای مثال گنجاندن دو واژه «جابلسا» و «جابلقا» در وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلن» بعید به نظر می‌رسد؛ چنان‌که در ابیات زیر وزن شعر را برهم ریخته است:

بود مر آن شهر گزین جابلسا داشت سراسر اثر جابلقا
(۲۵۵۰)



شکل شماره ۷

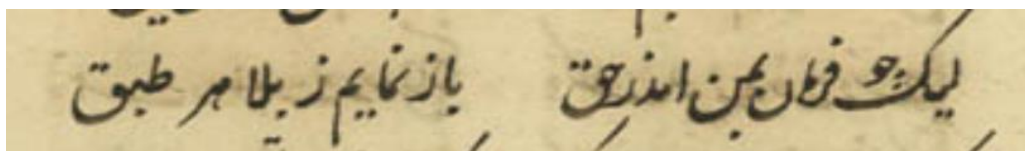
دید یکی شهر در آنجا چو سما بود مسمی به جهان جابلقا
(۲۵۲۵)



شکل شماره ۸

برخی ابیات هجا یا هجاهایی کم دارد:

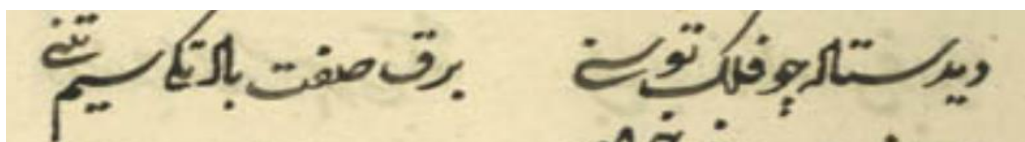
لیک چو فرمان به من اندر حق باز نمایم ز بلا هر طبق
(۲۳۳۹)



شکل شماره ۹

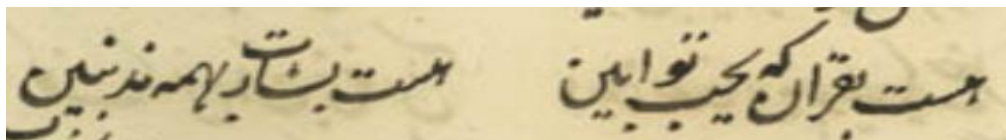
برخی دیگر از ابیات نیز هجا یا هجاهایی اضافه دارد که وزن را آشفته کرده است:

دید ستاده چو فلک توسنی برق صفت بادتکی سیم‌تنی
(۴۸۰)



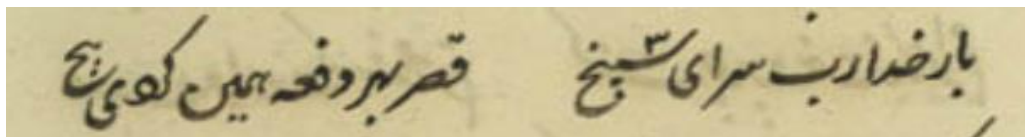
شکل شماره ۱۰

هست به قرآن که یحب تو این هست بشارت به همه مذنبین
(۱۹۲۲)



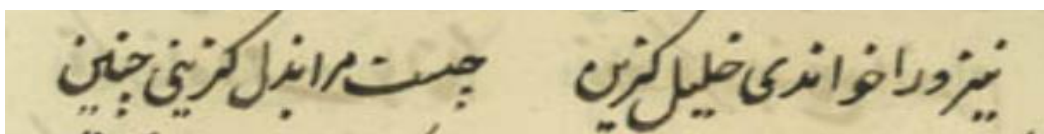
شکل شماره ۱۱

برخی کلمات نیز مصوتی اضافه دارد؛ چنان که مصوت «ی» در آخر افعال در ابیات زیر
اضافی است و با حذف آن‌ها وزن شعر درست می‌شود:
بار خدا رب سـر ای سـپنج قصر به هر دفعه همین کردی پنج
(۲۰۱۹)



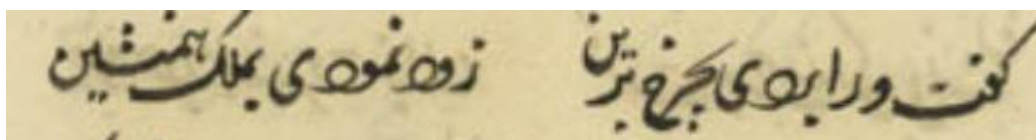
شکل شماره ۱۲

نیز و را خواندی خلیل گزین چیست مرا بذل گزینی چنین
(۱۹۱۷)



شکل شماره ۱۳

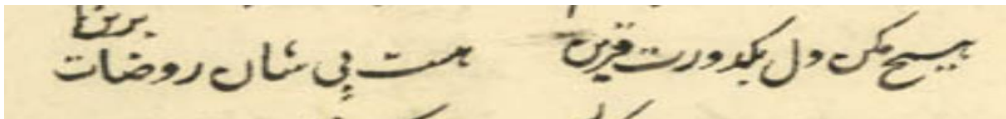
گفت و را بردی به چرخ برین زود نمودی به ملک همشین
(۱۹۷۳)



شکل شماره ۱۴

به نظر می‌رسد اشکال وزنی برخی دیگر از ابیات بر اثر اتصال ضمیر متصل به کلمات رخ داده است؛ چنان‌که در ابیات زیر دیده می‌شود:

هیچ مکن دل به کدورت قرین هست پیشان روضات برین
(۵۳۳)



شکل شماره ۱۵

۶۲ تلفظ‌های خاص

مروری بر ابیات منظومه «سلم‌الجنان» اکبرعلی خان جاوید نشان می‌دهد برخی کلمات به سبب لهجه گوینده یا کاتب نسخه به گونه‌ای خاص تلفظ و نوشته می‌شده است. نوشتن «دویم یا دُویم» به جای «دوم یا دوّم»، «سیوم یا سیّوم» به جای «سوم یا سوّم» و همچنین «دایما» به جای «دائماً» از این دست به شمار می‌رود که نمونه‌های آن را می‌توان در ابیات زیر دید:

نهم / نهم

رفت سخن با تو بین در حضور نیز به نهم فلک و فرش نور
(۱۹۴۵)

حرکت‌گذاری برخی کلمات نیز به سبب سازگارشدن با وزن عروضی شعر تغییر یافته است؛ برای مثال واژه «عَظَمَت» به صورت «عَظُمَت»، واژه «طَیْران» به صورت «طَیْران» و همچنین واژه «کَتِف» به صورت «کَتِف» به کار رفته است:

عَظُمَت / عَظُمَت؛ طَیْران / طَیْران

بیش ز عظمت حجب آمد دگر ماند ز طیران دگرش بال و پر
(۱۴۱۰)

در برخی موارد تلفظ واژه‌ها در حرف روی قافیه تغییر کرده است؛ برای مثال در بیت زیر واژه «آلست» با واژه «نَحُسْت» قافیه شده است که جزو عیوب قافیه به شمار می‌رود:

خواست ارادت چو به روز الست نقش از این خرقه ببندد نخست
(۲۲۴۸)

همچنین در بیت زیر تلفظ واژه «مُهْم» به سبب قافیه شدن با واژه «ذوالکرم» تغییر یافته است و به صورت «مُهْم» خوانده می‌شود:

شاه بگفت ای ملک ذوالکرم نیز تو تنها بکنی این مهم
(۹۹۹)

مشددخوانی برخی کلمات به ضرورت وزن نیز از دیگر ویژگی‌های آوایی در برخی ابیات منظومه است؛ چنان‌که در بیت زیر واژه «ششمین» باید به صورت «ششمین» تلفظ شود تا آهنگ و وزن شعر درست باشد:

باز گشودش چو در ششمین گشت پیمبر ز تماشا حزین
(۲۴۰۸)

همچنین واژه «بیجاده» که به معنی نوعی از یاقوت است به شکل «بیژاده» نوشته و تلفظ می‌شده است:

نیز بُد از درّ و زیژاده هم چشم بگشتی ز تماشا دژم
(۲۰۶۶)

۷- ویژگی‌های فکری

اکبرعلی‌خان جاوید با تألیف معراج‌نامه خود یعنی «سلم‌الجنان» از نظر فکری و اندیشگانی مقاصدی را در نظر داشته است. سنت معراج‌نامه‌سرایی پیش از او در زبان و ادب فارسی وجود داشته است؛ به همین سبب، ابتدا درباره پدیده معراج، کیفیت و سابقه آن در ادبیات فارسی توضیحاتی خواهد آمد و سپس به بحث معراج در منظومه جاوید پرداخته خواهد شد.

۸- معراج‌نامه‌سرایی

«معراج‌نامه» به رساله یا منظومه‌ای گفته شود که به صورت متمرکز به موضوع معراج پیامبر (ص) می‌پردازد. گویندگان زبان فارسی از قرون چهارم و پنجم هجری قمری، به نگارش معراج‌نامه فارسی روی آورده‌اند. از جمله نخستین آثار مشهور در این زمینه معراج‌نامه منسوب به ابوعلی سیناست که شامل برداشت فلسفی او از معراج پیامبر (ص) است. او معراج روحانی پیامبر (ص) را باور داشته است؛ در حالی که اعتقاد مسلط در آن زمان به جسمانی بودن این سفر بوده است. در حدود سه قرن پس از ابن‌سینا، شخصی به نام شمس‌الدین ابراهیم ابرقوهی معراج‌نامه ابن‌سینا را به سبک و نگارش زمان خود در سال ۷۰۹ ق. بازنویسی کرد.

ردپای معراج‌نامه‌سرایی را در ادبیات عرفانی نیز می‌توان دید. از مصادیق آنچه در تاریخ ادبیات عرفانی، شاید به تسامح، معراج‌نامه خوانده شده است، مجموعه کلمات شطح‌آمیز منسوب به بایزید بسطامی (متوفی ۱۸۰ ق.) است که دیگر عارفان از آن یاد کرده‌اند. عطار نیشابوری در تذکره‌الاولیا ترجمه مقداری از سخنان بایزید را نقل کرده است. قسمی دیگر از این سخنان را هجویری و روزبهان بقلی در آثار خود آورده‌اند (نک: ارنست، ۱۳۷۷: ۱۷۱).^۱ همچنین باید گفت دسته‌ای از آثار ادبی به تأثیر از واقعه معراج به نگارش درآمده‌اند که مستقیماً به معراج پیامبر (ص) ربطی ندارند؛ اما به نوعی از الگوی آن پیروی کرده‌اند. سیرالعباد الی‌المعاد حکیم سنایی از جمله منظومه‌های رمزی و عرفانی در زبان فارسی است که سیر روحانی شاعر را ترسیم می‌کند. روح شاعر به راهنمایی پیری روحانی، قدم‌به‌قدم از صفات و عوارض مادی دور می‌شود و مراحل صعود را می‌پیماید تا به حد کمال می‌رسد.

۹- معراج‌نامه اکبرعلی خان جاوید

معراج‌نامه اکبرعلی خان جاوید از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است. مثنوی ابتدا با

حمد و ستایش پروردگار شروع می‌شود و سپس عجز انسان در برابر قدرت خداوند به تصویر کشیده شده است که موجودی پست را قدر بخشید و از عقل ناتوان از درک کمال پروردگار سخن می‌رود:

بار خدایی که چنین برگزید	پست‌تری را که نه قدرش سزید
عقل کجا پی به کمالش برد	راه به ایوان جلالش برد
خاک کجا نور مقدس کجا	هست تباعد ز زمین تا سما
فکر به راهش دود از نیم گام	نقش پی‌اش پای بیندد به دام
چرخ بر او داده ز روشن نجوم	کرده مزین ز بشر تیره‌بوم
عقل ندارد ز حقیقت خبر	تافت چه سان شمع فروزان قمر
بحر به یادش ز ازل در خروش	دشت به فکرش ز تحیر خموش

(۱۸-۱۲)

گفت من این بار گران بر کشم	داد تو را مش‌تری‌ام سرخوشم
بود چو غافل ز همه سر کار	گشت ز بی‌دانشی‌اش خواستار

شاعر در میانه‌های کلام خود به رزق و روزی خود و منشأ آن یعنی پروردگار اشاراتی می‌کند و از پروردگار می‌خواهد تا در آسایش را، بی‌منت دونان برای طلب نان، به روی او بگشاید:

رزق‌رسانا به جهان بی‌تلاش	رزق‌رسانم مکنم بد معاش
رزق‌رساننده تویی بی‌گمان	زار به عالم مکنم بهر نان
رزق به عالم تو دهی بالیقین	گه به در کس مدهم ره همین
بار خدا کام دلم کن روا	ریز به دامن، گهر مدعا

(۱۰۰-۹۶)

پس از ذکر این مقدمات، علت تألیف کتاب «سلم‌الجنان» ذکر می‌شود. جاوید سبب

تألیف منظومه را بخشیده‌شدن جرم و گناه خود، مقیم شدن در بهشت و به نظم کشیدن حدیث کهن (موضوع معراج) می‌داند:

بخش همه جرم و گناهِش به ما	هیچ بر او خرده مگیر از عصی
گوی که دایم به ریاض نعیم	جای بگیرد بود آنجا مقیم
نظم کن در حدیث کهن	گنج برآرنده ز بحر سخن
کلک به دستم چو خردور دبیر	برد فتوحی ز عطای قدیر
گفت هر آن قصه معارج نویس	سر سخن روح مجسم نفیس
نظم نمود او همه شرحش تمام	داد چو گوهر خبرش را نظام

(۲۸۷-۲۸۹)

اما اینکه اسم این منظومه «سلم الجنان» شده بدین سبب بوده است که جاوید آن را نردبانی برای رسیدن به دنیای دیگر و رسیدن به عزت و منزلت تلقی کرده است:

گشت چو آن نامه مزین چنان	نام نهادم همه سلم جنان
تا که دهد روز قیامت به من	زینه پی اوج عروج عدن
هیچ نماند به رهم سدّ راه	زود به عزت برم آنجا پناه

(۲۹۸-۳۰۰)

جاوید ضمن هم‌قدم دانستن قلم خود با اشعار نظامی و مولوی از نوبت معراج‌سرایی خود سخن می‌گوید:

رفت نظامی و سخندان روم	داد تو را نوبه مساعد نجوم
داد تو را ملک سخن کبریا	نیست کسی جز تو دگر کدخدا
خنگ قلم خوش چو نظامی بتاز	گوی سخن زن به طرب در حجاز
ریز ز معراج نبی‌البشر	همچو صدف گنج بسی از گهر

(۳۱۸-۳۲۱)

وصف براق در معراج‌نامه جاوید هم توجه برانگیز است. براق حضرت رسول (ص) رخی همچون آدمی دارد که نام پیامبر را بر جبین دارد و گوش‌هایش به اندازه گوش‌های فیل و گردنش مانند شتر و پایش چون اسب و پشتش چون شیر و شبیه به وصفی است که میدی در کشف‌الاسرار کرده است:

طبع بررد از نگهش خرّمی	داشت رخی همچو رخ آدمی
چین جبین نهر زلال خضر	نقش جبین نام رسول‌البشر
داده خبر از اثر عین نیل	بوده ولی گوش چو اذنین فیل
گشته هلال از حسد و غم دو تا	بوده چو اشتر عنق پرصفا
نیز ز مرجان درخشان چو خور	داشت همین سینه چو استر دگر
سیم بقر نیمه دو مه جلوه‌ساز	پای فرس داشت زمرد طراز
گشته همین راست ز در ثمین	پشت چو پشت اسدش بد همین

(۵۰۱-۴۹۴)

پیامبر (ص) به بیت‌المقدس نزول می‌کند و در آنجا از نزول قرآن صحبت می‌راند:

داد به من تازه کتابی چنان	داشت همه سیر حقیقت نهان
---------------------------	-------------------------

(۷۲۶)

پیامبر درحالی که از خودی‌ها رها شده است، سرانجام به عرش اعلا می‌رسد و هیچ مرکوبی هم در میان نیست. ایشان ندای پروردگار را می‌شنود و به وصال حضرت حق می‌رسد:

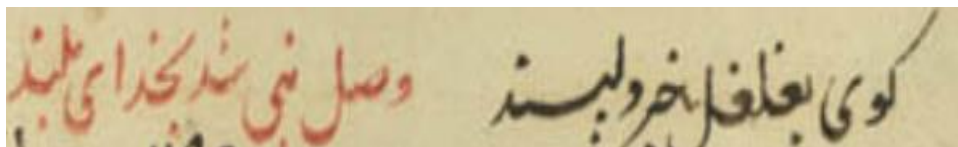
گشت همه عین نباشد شگفت	نور خدای صمدش درگرفت
هیچ نماندش به میان فضل و بین	کرد همه علم خدا علم عین
یافت دلش قرب روان‌پروری	گشت تنش وقف به خدمتگری
جانش بدانند چه تمتع ربود	گشت ملذذ ز شراب شهود
نیست از این بیش به گفتن مجال	غرق بشد سرّ دلش در وصال

ماند چو روزن ز بصیرت بصر
لیک کلامی به عنایت ز غیب
نور خدای صمدی در زمان
گشت به آینه مقابل دگر
گوش شد از سمع سخن بی‌خبر
گوش نمودی و نماندی به ریب
رفع نمود آن حجیش از میان
دید در آن نقش صمد جلوه‌گر
(۱۴۷۶-۱۴۶۸)

بدین ترتیب سؤال و جواب میان پیامبر و حضرت حق درمی‌گیرد:

کرد دگر باره پیمبر سؤال
بار منه بر امم ناتوان
ز آنکه گروه رسل ما سلف
عجز امم گفت چو خیرالورا
بار خدایا احدا بی‌همال
بیش ز طاقت ز عبادت چنان
جمله بگشتند ز حملش تلف
گفت به پاسخ ز کرم و سعه‌ها
بیش ز طاقت نه مکلف شوم
(۱۵۳۷-۱۵۳۳)

راوی از اینجا به بعد به ذکر تأویلات مقامات شب معراج می‌پردازد و موضوعاتی مانند دلیل فرض شدن نماز و روزه، اوصاف بهشت و جنت‌المأوا، طبقات دوزخ و درکات و عقبات آن، درخواست پیامبر (ص) از پروردگار برای تخفیف عبادات، نزول پیامبر از آسمان به زمین، تأیید و تکذیب معراج از جانب مؤمنان و کافران، تعیین اوقات پنجگانه نماز، اختلاف راویان در واقعه معراج، تعداد انبیایی که به معراج رسیده‌اند و دیگر مسائل را مطرح می‌کند. جاوید در پایان منظومه به این موضوع اشاره می‌کند که معراجیه‌اش برای بازگویی حدیث کهن سروده شده و شوری بوده که در قلمش موج می‌زده است و امید می‌رود که گناهانش عفو، و بهشت برین نصیبش شود. سرانجام با مصراع «وصل نبی شد بخدای بلند» منظومه به پایان می‌رسد. محاسبه حروف ابجد مصراع آخر عدد ۱۱۹۵ را نشان می‌دهد که مصادف با سال اتمام نگارش کتاب است:



شکل شماره ۱۶

۱۰- نتیجه‌گیری

چنان‌که گذشت یکی از معراج‌نامه‌های ناشناخته در زبان فارسی به نام «سلم‌الجنان» سروده اکبرعلی‌خان متخلص به جاوید است. متأسفانه اطلاعات دقیقی درباره شرح احوال و زندگی سراینده این منظومه یافت نشد؛ باین حال اطلاعاتی هرچند مختصر از خلال منظومه و مقصود گوینده از سرایش این معراج‌نامه به دست آمد. اهمیت این معراج‌نامه در این است که آثاری از این دست آن هم در حوزه شعر فارسی چندان نیست و این قبیل منظومه‌ها تاحدی بیانگر روایاتی است که به صورت شفاهی یا از طریق مستندات و آثار مکتوب دست‌به‌دست گردیده و به نزد شاعر رسیده است. جاوید از طریق داده‌های مربوط به موضوع معراج و ابعاد مختلفش و درهم آمیزی آن با زبان آهنگین و عاطفی شعر، توانسته تصاویری خلق کند که از منظر «معراج روحانی» بسیار خیال‌انگیز باشد. وی با تأثیر از خمسه نظامی گنجوی (در روایت پرداززی و ترکیب‌سازی) به‌ویژه تأثیرپذیری از وزن مخزن‌الأسرار، خود را هم‌ردیف با شاعر گنجه‌ای قرار داده است. از نظر زبانی، شاعر در به‌کاربردن لغات عربی بیش از هر چیز اهتمام ورزیده است. بسیاری از این لغات در ارتباط با مضمون معراج است؛ باین حال تعداد توجه‌برانگیزی از لغات و ترکیبات ناآشنای عربی به منظومه راه یافته است که فهم معنا را دشوار می‌کند. جمع‌بستن کلمات مطابق قواعد زبان عربی نیز در متن فراوان دیده می‌شود. نشانه‌هایی از عامیانه‌نویسی و مخفف‌نویسی هم در ابیات وجود دارد. جاوید در ترکیب‌سازی‌ها متأثر از نظامی بوده و درصدد بوده است نوآوری‌هایی داشته باشد. کلماتی مانند رهگرا، سیلانگه، حق‌نیوش، برف‌زار، بیزگهر، برق‌جوش و رخنه‌فکن از این

دست خلاقیت‌هاست. در حیطه بلاغت و آرایه‌های ادبی و بیانی بیشتر از همه به تشبیه توجه داشته و کوشیده است با تشبیهات ساده واقعه معراج را واقعی‌تر جلوه‌گر کند. در این زمینه از ترکیبات تشبیهی‌ای مانند خنگ سخن، نخل دعا، باغ نبوت، گنج نور، شام ضلالت و مرغ قلم استفاده کرده است. اکبرعلی‌خان براساس موضوع معراج در اوج و فرود روایت خود، از اغراق هم بهره برده و مضمون دینی قرآنی منظومه سبب شده است از آرایه تضمین و تلمیح هم بهره گیرد. جناس از جمله آرایه‌های بدیعی است که بدان توجه ویژه داشته و از آن طریق در صدد بوده است تا توانایی‌های خود را نمایان کند. از نظر موسیقایی، جاوید با پیروی از وزن مخزن‌الأسرار نظامی یعنی بحر سریع (مفتعلن مفتعلن فاعلن) منظومه‌ای در ۳۱۶۱ بیت سروده است. نگارش برخی کلمات از جمله «خورم» به جای «خرم» نشان می‌دهد از نظر آوایی شاعر چطور آن‌ها را تلفظ می‌کرده است. در برخی ابیات آشفته‌گی‌هایی نیز از نظر وزن، ردیف و قافیه دیده می‌شود که به نظر می‌رسد به سبب سهو کاتب پدید آمده است.

پی‌نوشت

۱. برای آگاهی از دیگر معراج‌نامه‌های موجود در زبان فارسی نک. فاتحی، پروین، ۱۳۸۸، معراج پیامبر اکرم (ص) و معراج‌نامه‌های منظوم در ادب فارسی، تهران: علمی و فرهنگی.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه بهاء‌الدین خرّم‌شاهی.
۲. ارنست، کارل (۱۳۷۷)، روزبهان بقلی، عرفان و شطح اولیاء در تصوف ایرانی، ترجمه مجدل‌الدین کیوانی، تهران: مرکز.
۳. تهرانی، رضا (۱۳۸۹)، «بررسی تطبیقی عناصر ساختاری در معراج‌نامه احمد موسی و

- معراج‌نامه میرحیدر»، نشریه نگره، ش ۱۴، ۲۳-۳۸.
۴. حاجی‌زاده، مجید (۱۳۹۱)، «بازتاب معراج پیامبر^(ص) در شعر فارسی از آغاز تا پایان قرن هشتم»، عرفانیات در ادب فارسی، د ۳، ش ۱۱، ۶۵-۸۸.
۵. دستور خط فارسی، به کوشش فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۶. دوفوشه‌کور، شارل هانری (۱۳۷۰)، «روایات معراج در آثار نظامی»، ترجمه احمد سمیعی گیلانی، نشر دانش، ش ۶۳، ۵-۱۱.
۷. _____ (۱۳۶۵)، «ابن‌سینا، قشیری و قصه معراج پیغمبر^(ص)»، نشریه معارف، ش ۴۲، ۴۳-۶۹.
۸. رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۶۷)، «داستان معراج رسول خدا^(ص)»، نشریه پاسدار اسلام، س ۷، ش ۸۴، ۳۲-۳۵.
۹. سعادت، اسماعیل (۱۳۹۷)، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۷، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۱۰. شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۰)، «معراج‌نامه»، نشریه مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۰، ۳۰۱-۳۰۴.
۱۱. شمالی، علیرضا (۱۳۸۶)، «بررسی معراج پیامبر اسلام^(ص) در شعر فارسی (در دوره مغول و تیموریان)»، نشریه زبان و ادبیات فارسی، س ۳، ش ۸، ۱۳۹-۱۵۸.
۱۲. صادقی، علی‌اشرف؛ زندی‌مقدم، زهرا (۱۳۸۴)، فرهنگ املائی خط فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۱۳. فاتحی، پروین (۱۳۸۸)، معراج پیامبر اکرم^(ص) و معراج‌نامه‌های منظوم در ادب فارسی، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۴. محمدزاده، سید نادر؛ کثیرلو، بهروز (۱۳۹۲)، «معراج در تفاسیر عرفانی»، نشریه

عرفان اسلامی، د ۹، ش ۳۶، ۴۵-۵۵.

۱۵. مؤنس، حسین (۱۳۵۰)، «تاریخ و زمانی که اسراء و معراج پیغمبر رخ داده است»،

ترجمه خدامراد مرادیان، نشریه وحید، ش ۹۴، ۱۰۳۵-۱۰۵۵.

۱۶. نسفی، عزالدین (۱۳۶۲)، کتاب الانسان الكامل، به کوشش ماریزان موله، تهران:

انجمن ایران‌شناسی فرانسه.

۱۷. نوریان، سید مهدی؛ حاجی‌زاده، مهدی (۱۳۹۰)، «جلوه معراج پیامبر صلی الله علیه و

آله و سلم در خمسه نظامی گنجوی»، نشریه پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ش ۹، ۱۷-۴۲.